

آسیب‌های حاصل از انکار

روابط همجنس‌خواهانه

قهرمانان انقلاب ایران

یادداشتی از مهرانوش احمدی مشاور روانشناس





آسیب های حاصل از انکار روابط همجنس خواهانه قهرمانان انقلاب ایران

یادداشتی از

مهرنوش احمدی مشاور روانشناس

در طول مبارزات مردمی در ماه‌های اخیر علیه جمهوری اسلامی جامعه ال جی بی تی کیو+ چه آشکار (با پرچم رنگین کمان) چه بدون پرچم یکی از فعال‌ترین گروه‌ها بوده‌اند.

این در حالی است که فضای مجازی و حقیقی مملو از خشونت‌های کلامی و روانی زن ستیزانه و همجنس‌گراستیزانه است. در فضای توئیتر برای توهین به عوامل جمهوری اسلامی و بسیج از گرایش همجنس‌خواهانه استفاده می‌شود. در خیابان‌ها و شعارها و توئیتر به راحتی از تجاوز صحبت می‌شود. جملاتی این چنین در توئیتر هزاران بار پسندیده و صدها بار بازنشر می‌شوند، "خامنه‌ای مادرجنده شورت آهنی بپوش چون گاییده می‌شی امشب."

نوع ننگ داشتن دست یک بسیجی که برای دانشجویان کرکری می‌خواند به دلیل اینکه از نظر جامعه مردانه نیست دست مایه تحقیر می‌شود.

حتی قشر دانشگاهی هم از شعارهای حاوی فرهنگ تجاوز استقبال می‌کند. این نشان می‌دهد که خشونت جنسی، فرهنگ تجاوز و اعمال قدرت از طریق عبور از حریم بدن افراد و همجنس‌گراستیزی در سال‌های حکمرانی جمهوری اسلامی بیش از پیش نرمالیزه شده و گسترش پیدا کرده است.

اما تاثیر این فضای مسموم بر جامعه ال جی بی تی کیو+ چیست؟

برای پاسخ به این سوال باید ابتدا به تجربه زیسته اقلیت‌های جنسی و جنسیتی نگاهی بیندازیم.

در فرهنگ همجنس‌گراستیزانه‌ای مانند فرهنگ جامعه ایران رشد کودکان ال جی بی تی با کودکان دیگر متفاوت است. آنها از کودکی متوجه می‌شوند با دیگر هم‌سن‌های خود متفاوتند ولی چون نماینده‌ای از خود در بیرون (در رادیو تلویزیون، خانواده و جامعه) نمی‌بینند نمی‌توانند اسمی برای ویژگی متفاوت خود پیدا کنند.

این وضعیت نداشتن مرجع در بیرون باعث می‌شود تاییدی برای این نداشته باشند که در این دنیا ((وجود دارند)). این مسئله باعث می‌شود کودک در سال‌های اولیه‌ی زندگی‌اش با یک حس تنهایی عمیق رشد کند. در سال‌های نوجوانی وقتی فرد به تمایلات خود پی می‌برد یا

می‌بیند بیان جنسیتی واقعی‌اش با هم‌کلاسی‌ها و دخترخاله و پسرعمه متفاوت است احساس شرم می‌کند.

دلیل این حس شرم این است که خانواده و جامعه به او این پیام را می‌دهند که تمایلات و قسمتی از وجود او تابو، شرم‌آور، گناه، ناخوشایند، مریضی روانی و آنرمال است.

خانواده با جملاتی این‌چنین سعی می‌کند گرایش کودک را انکار کند:

"تو جوگیر شدی" "فلان دوستت تو را از راه به در کرده."

"موبایل و اینستاگرام مغز تو را شست و شو داده اند"

"تو هنوز بچه ای و عشق و رابطه رو نمی‌فهمی بذار بزرگ تر بشی بعدا حرفش رو بزن."

"می‌بریمت پیش دکتر خوب میشی"

ناگفته نماند که این حرف‌ها فقط به کودکانی که گرایش آنها به همجنس است گفته می‌شود.

کودکان از زمان نوزادی دگرجنس‌گرا و سیس جندر تلقی می‌شوند. خانواده در حدی از این

مسئله مطمئن هستند که می‌گویند عقد دخترعمو و پسرعمو در آسمان‌ها بسته شده (حتی

از زمان نوزادیشان) یا برای عروس و داماد شدن نوزاد رویاپردازی می‌کنند.

از طرفی دگرجنس‌گرایی دائماً در قالب مراسم‌های پرشکوه ازدواج، عکس‌های پروفایل دو نفره،

داستان‌های عاشقانه در صدا و سیما، سینما و غیره تبلیغ می‌شود.

این در حالی‌ست که گرایش‌های غیر از آن کاملاً مسکوت گذاشته می‌شود و هرگونه صحبت

کردن در مورد روابط همجنس خواهانه تابو تلقی می‌شود و می‌تواند هزینه‌های شدیدی برای

افراد داشته باشد، از طرد اجتماعی گرفته تا از دست دادن حق اشتغال، آموزش، و حتی

جان‌شان.

کودک از ابتدا این پیام‌ها را از نزدیک‌ترین کسانی دریافت می‌کند و این باعث می‌شود که

تقریباً تمام کودکان ال‌جی‌بی‌تی با تروما رشد کنند.

تجربه تروما اعتماد به نفس آنها را شدیداً پایین می‌آورد و یک نوع حس ناامنی دائماً آنها را

دنبال می‌کند.

آنها حس اعتماد خود را به دیگران از دست می دهند. بعضی به دلیل حس همجنسگراستیزی درونی شده و شرم حاصل از آن سعی می کنند خود را انکار کنند و به بچه نمونه خانواده تبدیل شوند.

به این پدیده overcompensation (جبران بیش از حد) گفته می شود. مثلا تبدیل به بچه درس خوانی می شوند که تنها در خدمت آرزوها و نیازهای خانواده قرار می گیرد و هیچ حقی برای نیازهای خودش قائل نمی شود. بعدا هم با جنس مخالف ازدواج می کنند فقط به خاطر اینکه خانواده و جامعه را راضی نگه دارند.

بعضی عنوان می کنند که حتی تصور هم نمی توانند بکنند که مغایر با خواسته های خانواده عمل کنند.

بعضی دچار اضطراب و افسردگی می شوند و منزوی می شوند. بعضی برای بیرون ریختن و نشان دادن میزان تخریبی که جامعه و خانواده به آنها روا داشته اند دست به خودجراحی می زنند یا خودکشی می کنند.

خانه و خانواده برای بسیاری از کودکان ال جی بی تی جهنمی است که آنها برای رهایی از آن روزشماری می کنند.

بچه های خوش شانس تر امید دارند که بعد از کشمکش های زیاد، خانواده از آزارهای کم می کند و اجازه می دهد مثل خواهر و برادرهای دیگر زندگی خود را داشته باشند. البته حتی در این حالت خانواده فراموش نمی کند که به کودک بگویند هر کاری می کنی به خودت مربوط است. آبروی ما را نبر.

فامیل و درو همسایه نفهمند.

در طی پروسه آشکارسازی و زمانی که فرد با افراد ال جی بی تی دیگر آشنا می شود تازه متوجه می شود «وجود دارد» و یاد می گیرد دست از انکار خود بردارد. به خود اجازه می دهد وارد روابطی که مطابق طبیعتش است شود و به مرور التیام پیدا می کند. این پروسه برای هر فردی متفاوت است. ولی متاسفانه آثار تراuma در روان فرد، در طرح واره های ذهنی او، عملکردش و تصمیمات زندگی اش می تواند کماکان تاثیر گذار باشد.

حالا برگردیم به فضای مجازی و خانواده ها.

نیکا شاکرمی یک دختر شانزده ساله که با شجاعت برای آزادی به خیابان‌های تهران آمده بود و حتی رهبریت اعتراضات را به عهده گرفته بود، توسط نیروهای سرکوبگر رژیم کشته می‌شود. جامعه از این مسئله به شدت متاثر می‌شود و در اعتراض کشته شدن او تجمعات پرشکوه دیگری شکل می‌گیرد. چهره او تبدیل به یکی از چهره‌های انقلاب می‌شود.

هفته‌ی پیش روزنامه‌ی دی تسایت آلمان با نله (دوست دختر آلمانی نیکا) صحبت می‌کند که ترجمه فارسی کامل این مصاحبه در اینترنت موجود است.

قبل از آن پچ‌هایی در مورد رابطه همجنس خواهانه‌ی نیکا وجود داشت چون دوستان و اطرافیانش از آن باخبر بودند و دوست دخترش در اینستاگرام خود پست‌هایی با اشاره به رابطه‌شان گذاشته بود.

مصاحبه‌ی او با نشریه تسایت مهر تاییدی بود بر اینکه نیکا در یک رابطه‌ی همجنس خواهانه با نله بوده است.

همه این خبرها مسکوت ماند و جامعه در ابتدا واکنشی به آن نشان نداد. شاید فکر می‌کرد با مسکوت گذاشتن آن این واقعیت خاموش می‌شود. دقیقاً همان عکس‌العملی که خانواده‌ها ابتدا بعد از آشکارسازی کودکان‌شان نشان می‌دهند.

هفته‌ی بعد از آن شادی امین که خود یک لزبین و کنشگر حقوق جامعه‌ال‌جی‌بی‌تی‌ست در مراسمی که به مناسبت ارج نهادن به مشاهده‌پذیری لزبین‌ها برگزار شده جایزه خود را به نیکا تقدیم می‌کند. یک حرکت کاملاً عادی که بسیاری از افراد انجام می‌دهند برای اینکه از پلتفرمی که در اختیار دارند برای ارزش‌هایی که برایش می‌جنگند استفاده کنند.

کامنت‌هایی که زیر خبر آن در بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال از سوی هموطنان گذاشته می‌شود مانند همیشه بسیار همجنس‌گراستیزانه، لزبین‌ستیزانه و حاوی تجاوز و تهدید به مرگ است.

فارغ از توهین‌ها و فحاشی‌ها محتوی بیشتر کامنت‌ها به طور خلاصه از این قرار است:

"نیکا اول انسان بود، گرایشش به کسی مربوط نیست"، "نام نیکار را خراب نکنید. این پروژه جمهوری اسلامیست." خانواده ی نیکا بهتر می داند که فرزندشان چه بوده" "با آبروی خانواده داغدار بازی نکنید"

از طرفی خاله نیکا در صفحه ی اینستاگرامی خود شادی امین را تهدید به شکایت قانونی می کند و می گوید "نیکا زنده نیست. اما خانواده اش زنده هستند." او افشاگری در مورد زندگی خصوصی نیکا را غیرقانونی و اخلاقی عنوان می کند و در ادامه می نویسد او یک «نوجوان بود ...

یک نوجوان هنوز در ابتدای تجربه های زیستی و کشف هویت جنسیتش است.» بعد مینویسد: «روی دوستی دو نوجوان یکی در ایران و دیگری آلمان نمی توان با قاطعیت نظر داد ولی جایی دیگر با قاطعیت عنوان می کند نیکا دگرجنسگرا بوده.» «جامعه ال جی بی تی با تک تک این جملات و تناقض گویی هایی که سعی در انکار هویت و گرایش و حس خود دارد آشناست. خانواده ای که عنوان می کند خیر بچه اش را می خواهد ولی قسمتی از او را نمی پذیرد، انکار می کند و عشق و رابطه اش را به حساب خامی اش می گذارد. هر کدام از این جملات باعث آسیب دوباره این جامعه می شود. حتی اگر در وهله اول آن را نبینند.

جامعه ال جی بی تی پیام های سوشال مدیا و این انکارهای شدیداللعن، این خشمی که به سمت جامعه سرازیر می شود را می بیند. با اینکه این پیام ها مستقیماً رو به فرد فرد جامعه رنگین کمانی نیست ولی به دلیل نزدیک بودن تجربه زیسته نیکا با آنها، با او همذات پنداری می کند و می بیند که جامعه بزرگ تر نمی تواند قهرمانش را که برای آنها ارجمند بوده و تبدیل به سمبل شجاعت و مبارزه شده، در کنار هویت همجنس گرایانه اش قرار دهند، می بیند که در ذهن آنها این دو ویژگی باهم ناهماهنگ هستند.

یک ویژگی برایشان مایه مباهات است و ویژگی دیگر برایشان مایه ننگ و این دو نمی‌توانند در یک نفر جمع شوند،

می‌بینند که جامعه در تکاپو برای حل این معضل در نهایت دست به انکار رابطه همجنس خواهانه قهرمانش می‌زند.

در این میان جامعه ال‌جی‌بی‌تی در اصطلاح روانشناسی آن دوباره تروماتایز می‌شود. گویی همان اتفاقاتی که در کودکی برایشان افتاده یا همان اتفاقاتی که همین حالا در خانه در جریان است در عرصه اجتماعی در حال وقوع است و این اتفاقات از طرف کسانی در حال وقوع است که ادعای آزادی خواهی دارند و فکر می‌کنند دارند انقلاب می‌کنند؛ فکر می‌کنند با سیستم سرکوبگر متحجر آخوندی که اهل فکر و سنجش و خرد و علم نیست اساساً مغایرت دارند؛ فکر می‌کنند با انقلابشان در آینده درهای مدرنیته و عقلانیت و مدنیت خود به خود به روی ایرانیان باز می‌شود.

این جریان‌ها برای جامعه ال‌جی‌بی‌تی به شدت ناامید کننده است.

بسیاری از مراجعین من این ناامیدی را ابراز می‌کنند.

بعضی علایم اضطرابی‌شان و افسردگی‌شان در این هفته‌ها تشدید شده است.

بعضی عنوان می‌کنند که مجبور شده‌اند که میزان داروهای ضد افسردگی و ضد اضطراب‌شان را بالا ببرند. آنها از خود می‌پرسند بعد از اینکه "اینها" هم بروند آیا سیستم بعدی از حقوق ما حمایت خواهد کرد؟

نکند وضع از این هم که هست بدتر شود؟

بعضی با این احساسات متناقض کلنجار می‌روند ولی باز هم به خیابان می‌آیند.

بعضی تصمیم می‌گیرند به خانه برگردند.

وقتی نوجوانی دوباره تروماتایز می‌شود حس شرم نیز دوباره به سراغش می‌آید.

حتی دوباره وارد چرخه انکار خود می‌شود و از خود می‌پرسد، "شاید من همجنس‌گرا نباشم شاید بتوانم با جنس مخالف ارتباط بگیرم تا از این خشونت‌ها رها شوم."

بعضی از اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی نیز طبق روال قبل که یاد گرفته بودند برای محافظت از خود سرپرستان خود را راضی نگه دارند، این بار سعی می‌کنند جامعه را راضی نگه دارند.

با آشکار شدن دیگران مخالفت می‌کنند و می‌گویند الان وقتش نیست. حتی توصیه می‌کنند که مراقب آبروی خانواده نیکا باشیم و حرفی نزنیم، بدون توجه به آسیب‌های وارد شده به جامعه ال‌جی‌بی‌تی می‌گویند به فکر خانواده داغدار باشیم. بعضی می‌گویند دوست دختر نیکا حق نداشت راجع به رابطه مشترکشان صحبت کند یا شادی امین حق نداشت جایزه‌اش را به نیکا تقدیم کند.

آنها به شکل وسواس گونه‌ای اخلاقی بودن این موضوع را می‌سنجند چون اگر جامعه ال‌جی‌بی‌تی معصوم نباشد استحقاق هرگونه توهین و تهدید و انکار را از جامعه غیرکوئیر دارد.

این از نشانه‌های رفتاری تروما و عمق شرمی است که در کودکی به خاطر گرایش و هویت‌مان با آن بزرگ شده ایم.

می‌بینیم که سلامت روان لزوماً یک امر شخصی نیست.

گرایش همجنس‌گرایانه هم در سیستمی که دائماً سعی در سرکوب و حذف آن دارد یک امر خصوصی نیست بلکه متأسفانه در کانون مبارزات سیاسی قرار دارد.

مشاهده‌پذیری جامعه ال‌جی‌بی‌تی یک روش کارآمد و لازم برای عبور جامعه متعصب و بیمار ایران به جامعه‌ای است که می‌تواند با تنوع گرایش‌ها کنار بیاید و بدن انسان‌ها را تبدیل به عرصه تاخت و تاز و اعمال کنترل نکند.

هر جا صدا و تصویر گروهی خفه شده، پشت سر آن حذف فیزیکی شروع شده است. ما راهی نداریم جز اینکه به حذف صدا و تصویر جامعه ال‌جی‌بی‌تی که در متن جامعه زیست و مبارزه می‌کنند پایان دهیم. این جامعه تاریخ دارد.

بله فریدون فرخزاد روابط همجنس خواهانه داشت،

مهرشاد دوست پسر داشت،

نیکا و نلی در رابطه‌ی عاشقانه لانگ دیستنس (دور از هم) بودند.

آنها قهرمانانی بودند که با شجاعت برای آزادی همه مبارزه کردند و جانشان را فدا کردند.

با آشکار شدن گرایش آنها کودکان ال جی بی تی شانس این را خواهند داشت که الگوهای خود را داشته باشند و حس کنند که در این دنیا «وجود دارند».

زمان حرف زدن در مورد آزادی و حقوق بشر همین حال است نه فردا.

کسانی که وعده ایران آزاد را می دهند باید تبیین کنند که برای آزادی اقلیت ها و کرامت انسانی شان و حفظ حقوق انسانی شان دقیقا چه برنامه ای دارند؟

وضعیت کنونی نیروهای انقلابی برای جامعه ال جی بی تی نگران کننده و ناامید کننده است و نیاز به یک بازبینی و نقد جدی در جنبش احساس می شود.

یادداشتی از مهرنوش احمدی مشاور روانشناس

در طول مبارزات مردمی در ماه‌های اخیر علیه جمهوری اسلامی جامعه ال جی بی تی کیو+ چه آشکار (با پرچم رنگین کمان) چه بدون پرچم یکی از فعال‌ترین گروه‌ها بوده اند.

این در حالی است که فضای مجازی و حقیقی مملو از خشونت‌های کلامی و روانی زن ستیزانه و همجنس‌گراستیزانه است. در فضای توئیتر برای توهین به عوامل جمهوری اسلامی و بسیج از گرایش همجنس خواهانه استفاده می‌شود. در خیابان‌ها و شعارها و توئیتر به راحتی از تجاوز صحبت می‌شود. جملاتی این چنین در توئیتر هزاران بار پسندیده و صدها بار بازنشر می‌شوند، "خامنه ای مادرچنده شورت آهنی بیوش چون گاییده می‌شی امشب."

نوع نگه داشتن دست یک بسیجی که برای دانشجویان کرکری می‌خواند به دلیل اینکه از نظر جامعه مردانه نیست دست مایه تحقیر می‌شود. حتی قشر دانشگاهی هم از شعارهای حاوی فرهنگ تجاوز استقبال می‌کند. این نشان می‌دهد که خشونت جنسی، فرهنگ تجاوز و اعمال قدرت از طریق عبور از حریم بدن افراد و همجنس‌گراستیزی در سال‌های حکمرانی جمهوری اسلامی بیش از پیش نرمالیزه شده و گسترش پیدا کرده است.

اما تاثیر این فضای مسموم بر جامعه ی ال جی بی تی کیو+ چیست؟

